



پیرامون ترور یک تروریست تبهکار،

توسط سر دسته تروریستهای بین المللی!

کشتن قاسم سلیمانی و همراهانش، از جمله معاون حشدالشعبی توسط پهپاد های نیروهای اشغالگر آمریکا در عراق، در بطن شرایطی صورت می گیرد که توده های تحت ستم و انقلابی عراق برای پایان دادن به سلطه امپریالیسم آمریکا و فقر و فلاکت و جنگ و نا امنی حاصل از اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳، به مبارزه برخاسته اند و تا کنون علیرغم همه سرکوب های خونین و دسیسه های دشمنانشان،

در صحنه نبرد و رزم باقی مانده اند - تا آن جا که هیچ یک از تمهیدات آمریکا و دست نشاندگانش در عراق برای حفظ مناسبات ستمگرانه حاکم، از گزند توده ها و از سرکوب و کشتار مردم گرفته تا استعفای برخی مهره های حکومت، هنوز نتوانسته این مردم مبارز را به خانه برگرداند.

در ظاهر امر، ترور مهره نظامی برون مرزی رژیم به مثابه نماد برجسته دخالتگری های جمهوری اسلامی در منطقه، پاسخ آمریکا به حمله سه روز پیش نیروهای حشدالشعبی (تحت فرمان قاسم سلیمانی) به سفارت این کشور در عراق می باشد. اما هیچ انسان آگاه و مدافع جدی توده های تحت ستم نمی تواند این اقدامات نظامی از سوی هر دو طرف (آمریکا و ایران) را بدون تکیه بر شرایط انقلابی جاری در عراق (همین طور در ایران) به درستی تحلیل نماید و ببیند که این اقدامات چه نقشی می توانند در جهت انحراف مسیر مبارزاتی مردم عراق ایفاء نمایند و کدام تاثیرات را به نفع کدام نیروها در سطح منطقه و بر جنبش انقلابی مردم ایران و عراق بر جای می گذارند.

سفارت آمریکا در بغداد که بزرگترین سفارتخانه این کشور در دنیاست، در منطقه کاملاً میلیتاریزه شده از طرف دولت مرکزی، معروف به منطقه سبز قرار دارد. به همین دلیل دست یابی کاملاً راحت حشدالشعبی به این منطقه، این پرسش را برجسته ساخت که چگونه است که تظاهر کنندگان عراق، پس از دو ماه تلاش جانانه و دادن بیش از ۴۵۰ کشته نتوانستند به این "منطقه سبز" حتی نزدیک شوند، اما دار و دسته حشدالشعبی به راحتی از میان محافظین مسلح آن منطقه عبور کرده و خود را به دیوار سفارت آمریکا رساندند؛ و آیا آمریکا از این امر اطلاع نداشت؟ یا تکیه بر شواهد موجود نمی توان تردید داشت که این اقدام حشدالشعبی در هماهنگی و همکاری دولت مرکزی دست نشانده آمریکا در عراق با این نیروی وابسته به جمهوری اسلامی صورت گرفت، امری که برخی از خبرگزاری های رسمی نیز آن را تأیید کرده اند.

اما، حمله به سفارت آمریکا از طرف نیروی وابسته به جمهوری اسلامی در عراق و پاسخگوئی آمریکا به آن، برای مردم ایران دقیقاً یادآور نقش و منافی ست که مضحکه اشغال سفارت آمریکا در ایران در یک شرایط متفاوت برای امپریالیسم آمریکا و سیاست های آن در منطقه ایفا نمود. اگر در آن زمان هدف از این سناریو، جا انداختن جمهوری اسلامی به مثابه یک رژیم مردمی و رژیمی همچون مردم مبارز ایران ضد امپریالیست بود، اکنون آن چه از این سناریوی مشابه در عراق تعقیب می شود، انحراف مسیر مبارزات ضد امپریالیستی توده های رنج کشیده عراق می باشد - هر چند از آن علیه توده های مبارز ایران نیز استفاده خواهد شد.

اگر به صحنه مبارزاتی توده های رنج کشیده عراق نظری بیافکنیم خواهیم دید که این توده ها از آغاز قیام خود در کنار بنر "خلق"، خواهان براندازی سیستم موجود است"، به طور کاملاً روشن و واضح ضدیت خود با اشغال

میهن خویش توسط امپریالیسم آمریکا را در بنرها و شعارهای مختلف بیان کرده اند، از نه به آمریکا و خواستار "اخراج ارتش آمریکا و فوایدش" گرفته تا این بنر گویا و تعرضی که: "در تاریخ نوشته خواهد شد که شما با تانک های آمریکائی بر عراق حاکم شدید ولی ما با همین "توک توک" ها آن را از شما می گیریم".

امروز هم علیرغم همه تلاش رسانه ها در لاپوشانی نقش غارتگرانه و جنایتکارانه آمریکا در عراق و سوق دادن خشم و نفرت مردم به سوی صرف جمهوری اسلامی که خود خدمتگزار آمریکا در این کشور بوده و در جهت تأمین منافع این امپریالیسم، مرتکب جنایات و اعمال سرکوبگرانه علیه ستمدیدگان عراق می گردد، توده های آگاه عراق که رنج و شکنجه های ناشی از اشغال کشورشان را با پوست و گوشت خود لمس کرده اند، همچنان علیه آمریکا می جنگند. همین چند روز پیش بود که مردم مبارز شهر بابل با فریاد نه به ایران، نه به آمریکا، ضدیت خود با امپریالیسم آمریکا و نوکرش جمهوری اسلامی را بر جهانیان آشکار ساختند.

نیروهای نظامی تحت فرمان قاسم سلیمانی در عراق که پس از آفرینش داعش توسط امپریالیسم آمریکا، در حفظ سلطه این امپریالیسم در عراق نقش برجسته ای یافته بودند، با اوج گیری مبارزات انقلابی ستمدیدگان این کشور، به یک پای مهم سرکوب خونین توده های انقلابی تبدیل شدند؛ تا آن جا که امروز جمهوری اسلامی، نقش سپر بلای امپریالیسم آمریکا در عراق را یافته است. درست برای تغییر فضای ضد امپریالیستی به فضای ضد جمهوری اسلامی است که رسانه های ارتجاعی تا به آن حد شدیداً بر نقش سرکوبگرانه این رژیم در سرکوب مردم عراق تأکید می کنند که گویا با رانده شدن جمهوری اسلامی از عراق، سعادت و خوشبختی به مردم عراق روی خواهد آورد!! و گوئی دلیل زندگی فلاکت بار، شکنجه ها و زندان های ابوغریبی، نه سلطه امپریالیسم آمریکا در عراق و به غارت بردن ثروت های این کشور است بلکه صرفاً حضور جمهوری اسلامی در عراق می باشد.

توجه به این سخن برایان هوک، نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور ایران، درباره حمله حشدالشعبی به سفارت آمریکا در بغداد، هدف از تبلیغات مغرضانه فوق الذکر را نیز هر چه بیشتر آشکار می سازد. او هدف اقدام نیروهای وابسته به ایران را "ایجاد شکاف میان آمریکا و مردم عراق" توصیف کرد و با همراه جلوه دادن خود با مبارزات انقلابی کنونی مردم عراق، مطرح کرد: "آن ها از مداخله ایران در عراق و تلاش آن برای تسلط یافتن در عراق - همانند تلاشش برای تسلط یافتن در لبنان - به تنگ آمده اند". در واقع، چه خود مقامات آمریکا و چه رسانه های مربوط به آن ها، در تبلیغات خود سعی در تلقین این امر را دارند که اگر نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی در سرکوب توده های عراق نقش برجسته ای دارند، پس، گویا دشمن درجه اول مردم عراق، جمهوری اسلامی می باشد و در نتیجه مردم باید فعلاً مبارزه خود با آمریکا را کنار گذاشته و همراه آمریکا صرفاً با جمهوری اسلامی مبارزه بکنند. قتل قاسم سلیمانی توسط نیروهای آمریکایی و در کنار آن برجسته کردن هدفمند صحنه هایی از خوشحالی مردم عراق از حذف این مهره تبهکار، در خدمت تطهیر امپریالیسم آمریکا و تلاش برای پوشاندن لباس "ناجی مردم عراق" به تن ارتش آمریکاست.

به طور کلی باید گفت تا آن جا که به عراق مربوط است، تبلیغات حجیم کنونی راجع به بحران و رو در رویی آمریکا و ایران، در خدمت خاموش کردن فریادهای نه به آمریکا و فرو نشاندن آتش مبارزاتی توده های در بند عراق علیه سلطه امپریالیسم آمریکا در این کشور و انحراف این مسیر انقلابی به سوی مبارزه صرفاً با جمهوری اسلامی می باشد. همان گونه که این روزها شاهدیم در این مسیر انحرافی، نه فقط رسانه های امپریالیستی بلکه همراه با آنان نیروهای سازشکار و اپورتونیست به فریب مردم پرداخته و سعی خواهند کرد با تبلیغ این امر که گویا "فعلاً" باید با آمریکا متحد شد و مبارزه خود را صرفاً روی جمهوری اسلامی متمرکز نمود، در صف متحد توده های انقلابی عراق علیه امپریالیسم آمریکا، شکاف ایجاد نمایند.

بی شک، اهداف و تبعات سیاستی که در پشت عملیات کشتن قاسم سلیمانی در شرایط مشخص کنونی قرار دارد تنها به تاثیرات آن در عراق محدود نمی گردد. همه می دانند که بر بستر سیاست های میلیتاریستی و جنگ افروزانة دولت آمریکا و نقش آفرینی های ضد مردمی جمهوری اسلامی در جاده صاف کنی برای توجیه این سیاست، منطقه خلیج فارس در یک شرایط بحرانی و متشنج قرار دارد. حمله دار و دسته وابسته حشدالشعبی به سفارت آمریکا در منطقه سبز و سپس قتل قاسم سلیمانی در پاسخ به این حمله، اقداماتی است که به گسترش فضای جنگی و عدم امنیت در کل منطقه - یعنی جهت گیری ای که یکی از محورهای سیاست رسمی و عملی امپریالیسم آمریکا در مواجهه با قدرت های رقیبش را تشکیل می دهد - پاری می رساند. اعزام ۷۵۰ سرباز آمریکایی به منطقه و اعلام دولت انگلیس برای "تقویت" حضور و نیروهایش در خلیج فارس، جلوه هایی از تبعات این سیاست می باشند. با اشراف به این جهت گیری دولت آمریکاست که تمامی قدرت های بزرگ از چین و روسیه گرفته تا آلمان و دبیر کل سازمان ملل همگی از "تشدید تنش" و خطرات ناشی از فضای جنگی در خلیج فارس ابراز نگرانی کرده و هشدار داده اند. این رویداد سواى تشدید فضای جنگی و بحران در منطقه، فرصتی به دولت ترامپ داده است تا در شرایط "استیضاح" رییس جمهور در مجلس این کشور، وی با به نمایش درآوردن "اقتدار آمریکایی" در عراق در میان افکار عمومی آمریکا برای خود آبرو بخرد.

مقامات آمریکا در ساعات اخیر، یکی پس از دیگری به میدان آمده و تاکید می کنند که برغم ترور قاسم سلیمانی خواستار "جنگ" با جمهوری اسلامی نیستند. ترامپ امروز شخصا به طور رسمی پیام می دهد که "ایران در هیچ جنگی برنده نشده اما در هیچ مذاکره ای هم بازنده نشده" است. این پیام ها به رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی دلگرمی می دهند که با خیال راحت همچنان در کار سرکوب و وحشیانه جنبش انقلابی مردم ما کوشا باشد. مقامات جمهوری اسلامی با دریافت این پیام است که ضمن عربده کشی و فریاد "انتقام" از مسببین قتل قاسم سلیمانی، دار و دسته های سرکوبگر خود را به خیابان های شهرهای بزرگ فرستاده و کوشیده تا زیر لوای شعارهای پوچ ضد امپریالیستی و مرگ بر آمریکا در مقابل مردمی که برای سرنگون کردن این رژیم به پا خاسته اند قدرت نمائی کرده و زهر چشم بگیرند.

مردم هشیار عراق و ایران با تکیه بر تجربه هائی که از قربانی کردن مهره های سر سپرده و خدمتگزار توسط امپریالیست ها دارند (نظیر قربانی کردن شاه در انقلاب های ۵۶ - ۵۷) با حذف شدن قاسم سلیمانی، این مهره خدمتگزار امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه، نه تعجب خواهند کرد و نه دچار شعف کودکانه خواهند شد. چرا که برخلاف تبلیغات سهمگین و فریبکارانه جاری، قتل قاسم سلیمانی تروریست، توسط سر دسته تروریست های جهان یعنی امپریالیسم آمریکا، به معنای پایان نقش آفرینی های ماجراجویانه جمهوری اسلامی و سیاست های ضد انقلابی آن نیست. تجربه ۴۰ سال اخیر نشان داده که تا نظام استثمارگرانه کنونی پا بر جاست، مهره های جنایتکار دیگر جای قاسم سلیمانی "جزغاله" شده و همراهانش را برای اجرای سیاست های امپریالیستی در شکل سیاست برون مرزی جمهوری اسلامی پُر خواهند کرد.

مرگ بر امپریالیسم و سگ های زنجیرش!

دست امپریالیست ها از عراق و ایران کوتاه!

برقرار باد اتحاد تمامی نیروهای انقلابی و خلق های تحت ستم منطقه!

زنده باد انقلاب!

چریکهای فدایی خلق ایران

۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ - ۳ ژانویه ۲۰۲۰